

## بررسی عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی ایرانیان با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی

فاطمه مدیری\*

### چکیده

هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی ایرانیان و بیان تفاوت‌های جنسیتی در این حوزه است. به این منظور، طرح ملی پیمایشی با ابزار پرسش‌نامه اجرا شده و نتایج تحقیق نشان می‌دهد: ۱. در میان ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، اعتماد بین فردی پایین‌تر از سایر ابعاد قرار دارد، ۲. سرمایه اجتماعی ایرانیان بیشتر تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای جنسیت و ساختارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی است و این یافته تحقیقات پاتنام و نوریس را تأیید می‌کند، ۳. اعتماد بین فردی در زنان مختصری پایین‌تر از مردان و هنجارهای معامله متقابل و اعتماد نهادی در ایشان بیش از مردان است. زنان در مشارکت اجتماعی بیشتر خواهان گذران اوقات خود با خانواده و اقوام هستند و مردان بودن با دوستان و همکاران یا گذران اوقات خود در انجمن‌ها و نهادها را بیشتر خواهان‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه اجتماعی، اعتماد بین فردی، تفاوت‌های جنسیتی، اعتماد نهادی، ارزش‌های ایرانیان.

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

روابط و پیوندها و تعاملات اجتماعی از عناصر بنیادین هر جامعه است و سرمایه اجتماعی، به مثابه دارایی مهمی، برای حفظ و نگه‌داشتن سلامت و طراوت جامعه و توانمندی سازمان‌ها در جوامع پذیرفته شده است. همه افراد به‌نوعی برای برقراری ارتباط با دیگران

\* استادیار جامعه‌شناسی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور f.modiri@psri.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۱۱

در تلاش اند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف تسریع بخشند و از آن طریق با گسترش پیوندهای خود بتوانند کنش‌ها را در جامعه تسهیل کنند و به منابع و حمایت‌های موجود در پیوندها دست یابند و از این طریق به اهداف خود برسند.

بانک جهانی سرمایه اجتماعی را به منزلهٔ هنجارها و روابطی اجتماعی تعریف می‌کند که در ساختارهای اجتماعی ریشه دارد و افراد را به عملکرد هماهنگ و دست‌یابی مطلوب به اهداف قادر می‌سازد. این تعریف به ارزش مشترک همهٔ شبکه‌های اجتماعی و اعتماد و روابط متقابل و اطلاعات و همکاری برمی‌گردد که به‌وسیلهٔ شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد ناشی از آن‌ها اطلاق می‌شود (Schaik, ۲۰۰۲: ۲). به نقل از پاتنام، (۱۹۹۵). بنابراین چگونگی روابط اجتماعی، میزان و نحوهٔ تعاملات و نوع حمایت‌هایی که ردوبدل می‌شود از اهمیت بسیاری برخوردار است، چنان که همواره یکی از دغدغه‌های هر جامعه کاهش سرمایه اجتماعی و رواج بی‌اعتمادی است که تداوم زندگی را دشوار می‌کند و نوعی ترس و احساس ناامنی را بین اعضا به‌وجود می‌آورد.

هم‌چنین برخی معتقدند شکاف‌های سرمایه اجتماعی در جنسیت به توزیع نابرابر منابع، از جمله پول و زمان و دانش و مهارت مربوط می‌شود. به نظر ایشان تفکیک در حوزهٔ عمومی، فرصت و اقبال دست‌یابی به پیوندهای متنوع و برقراری ارتباط با افراد را از زنان می‌گیرد و از طرف دیگر تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه و فرهنگ، که نقش مادری و خانه‌داری را نقش اولیه و مسئولیت اصلی زنان می‌شمرد، موجب شده که زنان نتوانند فعالانه در صحنه‌های مختلف جامعه و فعالیت‌های اجتماعی حاضر شوند و از بسیاری فرصت‌ها محروم مانده‌اند. این تفکیک‌ها و نابرابری‌های جنسیتی بین زنان و مردان در عضویت ارتباطی و اجتماعات فردی آنان نیز تأثیر گذاشته و زنان و مردان را به شبکه‌های اجتماعی متفاوتی سوق می‌دهد.

با توجه به موضوعات مطرح‌شده، بررسی سرمایه اجتماعی به‌منزلهٔ بنیان روابط اجتماعی و نقش آن در رفاه جوامع و هم‌چنین بررسی تفاوت‌های جنسیتی از لحاظ ساخت و ترکیب و میزان و نحوهٔ تعاملات و انواع حمایت‌هایی که دریافت می‌کنند مطرح است و بررسی آن حائز اهمیت است و در این مقاله به این موضوع می‌پردازیم که وضعیت سرمایه اجتماعی میان ایرانیان چگونه است و چه عواملی سرمایه اجتماعی ایرانیان را تبیین می‌کند. آیا بررسی تفاوت‌های جنسیتی سرمایه اجتماعی پایین‌تری را برای زنان نشان می‌دهد؟ در ادامه، برای

پاسخ به این سؤالات، پس از مروری بر رویکرد نظری و مطالعات تجربی، به یافته‌های تحقیق خواهیم پرداخت.

## ۲. رویکرد نظری و مطالعات تجربی

سرمایه اجتماعی همواره مدنظر جامعه‌شناسان بوده، چنان که در نظریه‌های دورکیم (Durkheim)، مارکس (Marx)، وبر (Weber)، تونیس (Tonnis)، زیمل (Simmel) به کاهش ارتباطات رودررو در جوامع و در نظریه‌های بوردیو (Pierre Bourdieu) و کلمن (James Coleman) به اهمیت ارتباطات اجتماعی در رفاه جوامع اشاره شده است. پاتنام (Putnam) بر سودمندی و کارکرد مثبت سرمایه اجتماعی تأکید دارد و نگران کاهش میزان سرمایه اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن است. او سرمایه اجتماعی را نتیجه مهم دموکراسی و به مثابه پدیده‌ای ساختاری (شبکه‌های اجتماعی) و پدیده‌ای فرهنگی (هنجارهای اجتماعی) می‌داند. پاتنام، در کتاب بولینگ یک نفره، به مسئله تنزل سرمایه اجتماعی در امریکا می‌پردازد. از نظر او، شاخص‌هایی مانند کاهش مشارکت در انتخابات و کاهش عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، مانند انجمن اولیا و مربیان و باشگاه‌های بولینگ، بیانگر کاهش سرمایه اجتماعی است. از دیدگاه او، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند و این ویژگی‌ها عبارت‌اند از شبکه‌ها و هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی. منظور از شبکه‌ها شبکه‌های رسمی و اجتماعی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه، اعم از مدرن و سنتی و فئودالی یا سرمایه‌داری، است که افقی یا عمودی‌اند. در شبکه‌های افقی، شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری برخوردارند و کنش‌گران با هم در ارتباط‌اند و اطلاعات شفاف در اختیار کنش‌گران قرار می‌گیرد. کنش‌های افقی قوی در شبکه‌های مشارکت مدنی، مانند انجمن‌های همسایگی و کانون‌های سرودخوانی و تعاونی‌ها و باشگاه‌های ورزشی و احزاب توده‌ای، روی می‌دهند. در شبکه‌های عمودی، شهروندانی عضویت دارند که وضعیتی نابرابر نسبت به هم دارند و کنش‌گران باهم ارتباطی ندارند و فقط اطلاعاتی را به‌دست خواهند آوردند که منافع افراد در موقعیت بالاتر را به‌خطر نیندازد. از نظر پاتنام، شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی‌اند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. شبکه‌های افقی تقویت همکاری

درون‌گروهی را سبب می‌شوند و هرچه ساختار سازمانی افقی‌تر باشد، موفقیت نهادی آن بیشتر است. وی شبکه عمودی یا سلسله‌مراتبی را فاقد توان برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی می‌داند؛ زیرا جریان اطلاعات در شبکه عمودی، در مقایسه با شبکه افقی، شفاف و مؤثر نیست.

از دیدگاه پاتنام، هنجارهای معامله متقابل، در هر گروه اجتماعی هنجارهایی اند که مهم‌ترین سودمندی آن‌ها تقویت اعتماد و کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. وی این هنجارها را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند و گروه‌ها و جوامعی که از این هنجارها اطاعت می‌کنند بر فرصت‌طلبی و مشکلات عمل جمعی فائق می‌آیند. پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی، می‌داند. از نظر وی، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و همکاری نیز به سهم خود اعتماد را ایجاد می‌کند. به این ترتیب، هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده شود، به جای استهلاک و کاهش، بیشتر افزایش خواهد یافت. به نظر پاتنام، هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می‌آورند و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند. در مجموع، پاتنام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد و هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که ارتباطات درونی و خودتقویت‌کننده و خودافزاینده دارند.

به نظر پاتنام، بی‌تردید سازوکارهایی که از طریق تعهد مدنی و همبستگی اجتماعی نتایجی نظیر آموزش‌های بهتر، توسعه اقتصادی سریع‌تر، جرائم کمتر، حکومت کارآمدتر را در پی دارند پیچیده و چندگانه‌اند. او نشان می‌دهد که در تبیین سرمایه اجتماعی جنسیت و عوامل ساختاری و عوامل فرهنگی دخیل‌اند. تبیین‌های ساختاری تأکید دارند که نابرابری‌های اجتماعی براساس مدارک آموزشی، وضعیت اقتصادی اجتماعی، جنس و سن به نابرابری در دارایی‌های دیگر مدنی منجر می‌شود که این دارایی‌ها موجب می‌شود برخی با بهره‌گیری از فرصت‌ها در موقعیت مشارکت بهتر از دیگران قرار گیرند. تبیین‌های فرهنگی بر نگرش‌ها و ارزش‌ها، از جمله بر منافع و انگیزه‌های قبلی و اعتقادات ایدئولوژیک، تأکید دارد که مردم را به تعامل مدنی و شبکه‌های اجتماعی و فعالیت در جامعه تشویق می‌کند. وی تأثیر جنسیت در سرمایه اجتماعی یک جامعه را نشان می‌دهد و به‌خصوص در این زمینه به تأثیر حرکت زنان به نیروی کار حقوق‌بگیر و تنش‌های مرتبط با

آن در خانواده‌های دو حرفه‌ای امریکایی اشاره می‌کند. به نظر او، حرکت زنان از خانه یک شمشیری دولبه است و از طرفی فرصت‌ها را افزایش می‌دهد و به زنان به ساخت اجتماعی جدید ارتباطات و شبکه‌ها از طریق محل کار کمک می‌کند و از طرف دیگر هم‌زمان، برای مشارکت در جامعه، زمان را کاهش می‌دهد. او پس از بررسی داده‌های نظرسنجی سبک زندگی و بررسی انجمن‌ها و کلیساها و سازمان‌های حرفه‌ای نتیجه می‌گیرد که در دو دهه گذشته حرکت زنان به نیروی کار حقوق‌بگیر انقباض کل سرمایه اجتماعی در امریکا را به دنبال داشته است. او میان گروه پل زن (Bridging Group) و گروه پیوند (Bonding Group) تمایز قائل می‌شود. گروه پل زن به شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد را از انواع مختلف گرد هم می‌آورد و خروجی آن به احتمال زیاد مثبت است و به نظر پاتنام پیامدهایی سودمند را، برای ایجاد سرمایه اجتماعی و برابری اجتماعی توسط تولید اعتماد بین فردی و تقویت روابط جامعه، دارند. گروه پیوند مردم مشابه را گرد هم می‌آورد و بیش از گروه قبلی در معرض تأثیرات منفی جانبی‌اند. البته سازمان‌های همگن پیوند نیز می‌توانند، با بهره‌گیری از اعضا، کارکرد مثبت داشته باشند، اما خطر این که گروه‌های پیوند عواقب ناکارآمد برای جامعه، در تشدید و گسترش نابرابری‌های اجتماعی، ایجاد کند بیشتر است. گروه پیوند، با به اشتراک‌گذاری زمینه‌ها و اعتقادات مشابه، موجب تقویت تولید و توزیع نابرابر در شبکه‌های میان زنان یا مردان می‌شود. اگر زنان حامی مردان در سوادآموزی و یا آموزش و پرورش باشند و هم‌چنین در منابع یا درآمد تأخیر داشته باشند، می‌توان انتظار داشت که کمتر به فعالیت در انجمن‌های مدنی و محلی از گروه‌های داوطلبانه پردازند.

نوریس نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از جنسیت و عوامل ساختاری و فرهنگی قرار دارد. اعتماد بین فردی در همه جوامع در زنان کمتر از مردان است و این تفاوت در کشورهای فراصنعتی بیش از همه و در جوامع کشاورزی کمتر از دیگر جوامع است. به نظر وی، زنان کمتر از مردان در انجمن‌ها عضوند و فعالیت می‌کنند؛ زیرا نمی‌توانند (وقت ندارند)، نمی‌خواهند (علاقه ندارند)، یا هیچ‌کس از آن‌ها نمی‌خواهد که به این انجمن‌ها ملحق شوند (۲: Norris, ۲۰۰۳).

فرسن (Mc Pherson) و لوین (Smith-Lovin) نشان دادند که مردان امریکایی معمولاً به سازمان‌های اقتصادی، که موقعیت‌های شغلی و فرصت‌های تجاری یا فرصت‌های بالای تخصصی برایشان فراهم می‌آورند، متعلق‌اند و شبکه‌های فردی آن‌ها شامل همکاران و

مشاوران و دوستان اند و زنان امریکایی به سازمان‌های ابتدایی که در حوزه خانگی است متعلق اند و شبکه‌های فردی ایشان بیشتر وابستگان خانوادگی هستند و در بسیاری از کشورها، مردان در مجالس سیاسی، باشگاه‌های ورزشی، گروه‌های تخصصی، انجمن‌های صلح، اتحادیه‌های کارگری و زنان در انجمن‌های مربوط به نقش‌های سنتی زنان و سازمان‌های هنری و مذهبی فعال‌اند (ibid).

کارول (Misty N. Carroll) نیز نشان داده زنان، در مقایسه با مردان، شبکه روابط عاطفی و احساسی گسترده‌تری دارند و در این مورد تفاوت معنی‌دار در زنان و مردان مشاهده می‌شود (ibid: ۳).

هم‌چنین مور به مقایسه شبکه اجتماعی زنان و مردان پرداخته و نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی زنان و مردان از نظر ترکیب با هم متفاوت‌اند و از نظر اندازه تا حدودی به هم شبیه‌اند. به نظر او، شبکه‌های مردان بیشتر شامل همکاران و دوستان و مشاوران است، در حالی که شبکه‌های زنان بیشتر ارتباطات فامیلی و همسایگی و خانوادگی را دربر می‌گیرد. از آن‌جا که مردان مشاغل رسمی دارند، شبکه‌های آنان رسمی‌تر از شبکه‌های زنان است و بیشتر شامل همکاران و کمتر خویشاوندان است. در مقابل، شبکه‌های زنان غیررسمی‌ترند و خویشاوندان بیشتری را نسبت به شبکه‌های مردان دربر می‌گیرند (باستانی، ۱۳۸۶: ۶۸؛ به نقل از مور، ۱۹۹۰).

تیمبرلاک (Timberlake) بر این نظر است که زنان در شرایط و موقعیتی ضعیف نسبت به مردان قرار دارند؛ زیرا شبکه‌هایی که به وسیله زنان شکل می‌گیرد روابطی قوی در بین یک گروه کوچک و پیوسته ایجاد می‌کنند، در حالی که مردان روابط ضعیف‌تری در شبکه بزرگ‌تری از افراد به‌نمایش می‌گذارند. این روابط ضعیف با ارزش‌اند و مانند پلی بین منابع وسیع مختلف دانش و اطلاعات‌اند. زنان در محیطی با تسهیم اطلاعات بیشتر و ارتباط نزدیک موفق‌ترند، در حالی که مردان در شبکه‌های کارآفرینان با محدودیت کم و فرصت زیاد در دستیابی به قدرت و اطلاعات موفق‌ترند. این تفاوت احتمالاً به‌علت تفاوت در اجتماعی‌شدن مردان و زنان است (Timberlake, ۲۰۰۵).

سوسن باستانی در تحقیق خود، با عنوان «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، نشان می‌دهد که زنان و مردان از لحاظ اعتماد متقابل بین فردی تفاوت درخور ملاحظه‌ای ندارند. با افزایش سن، اعتماد بین فردی کاهش می‌یابد. متأهلان بیش از مجردان و بیوه‌ها و مطلقه‌ها و شاغلان بیش از خانه‌دارها و دانشجویان و بیکارها اعتماد بین فردی

دارند. پایگاه اقتصادی اجتماعی و اعتماد بین فردی با هم ارتباطی ندارند و رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که تأثیر تأهل و اشتغال در سرمایه اجتماعی بیش از سایر متغیرهاست (باستانی، ۱۳۸۷).

هم‌چنین باستانی در تحقیقی، با عنوان «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت»، ویژگی‌های ساختی و تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان را بررسی کرده و نتیجه گرفته که شبکه روابط متأهلان، به‌علت این که در نتیجه ازدواج به پیوندهای جدیدتر و بیشتری دسترسی می‌یابند، بزرگ‌تر از افراد غیرمتاهل و مجردان است و این افراد صمیمیت و حمایت متقابل بیشتری نیز با اعضای شبکه خود دارند. ازدواج شبکه خویشاوندی زنان را گسترش می‌دهد، اما بیشتر پیوندهای آنان با خویشاوندان نزدیک و دور و همسایگان است. شاغلان نیز، به‌علت قرارگرفتن در محیط‌های اجتماعی متعدد و در ارتباط قرارگرفتن با افراد گوناگون، پیوندهای اجتماعی گسترده‌تری را در مقایسه با غیرشاغلان تجربه می‌کنند و با افراد بیشتری در تماس قرار می‌گیرند. بنابراین، با توجه به این که اکثر شاغلان را مردان تشکیل می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی مردان بیش از زنان است. هم‌چنین افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردارند، شبکه‌های بزرگ‌تر و فرصت بیشتری برای برقراری ارتباط دارند و این در حالی است که، با افزایش سن، از فراوانی تماس با اعضای شبکه کاسته می‌شود. طبق نتایج به‌دست آمده، جنسیت با برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شبکه رابطه معناداری داشته و با شاخص کل سرمایه اجتماعی شبکه، که از مجموع این مؤلفه‌ها به‌دست آمده، نیز رابطه معناداری را نشان داده و نتیجه گرفته که جنسیت فی‌نفسه تفاوتی را به لحاظ سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان ایجاد نمی‌کند، بلکه موقعیت‌ها یا به عبارتی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به‌لحاظ جنسیت برای فرد ایجاد می‌گردد از اهمیت برخوردار است (همان: ۷۴).

آزاد ارمکی نیز، با تکیه بر نظریات گیدنز، به مطالعه اعتماد و جنسیت پرداخته و نشان می‌دهد که اعتماد در سطح کشور پایین است و زنان از مردان اعتماد متقابل پایین‌تری دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱).

چنان که دیدیم پاتنام به عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی و هم‌چنین به تبیین تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی پرداخته و نشان داده در تبیین سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جنسیت و عوامل ساختاری و عوامل فرهنگی بیشترین توان تبیین را دارند و سرمایه اجتماعی در زنان و مردان متفاوت است و در زنان ادامه فعالیت‌های خانگی و در

مردان ادامه فعالیت های مدنی است. بنابر نظریه پاتنام، که چهارچوب نظری این تحقیق است فرضیه‌های زیر مفروض‌اند:

۱. مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جنسیت و عوامل ساختاری و عوامل فرهنگی بیشترین توان را در سرمایه اجتماعی دارند؛
۲. سرمایه اجتماعی در زنان و مردان تفاوت دارد؛
۳. سرمایه اجتماعی در زنان ادامه فعالیت‌های خانگی و در مردان ادامه فعالیت‌های مدنی است.

### ۳. روش تحقیق

این تحقیق برگرفته از طرح پیمایش ملی ارزش‌های اجتماعی فرهنگی ایرانیان است که در سال ۱۳۸۳ توسط مرکز مطالعات و تحقیقات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به اجرا درآمده است. جامعه آماری این پژوهش کمی همه افراد بالای شانزده سال در ایران‌اند. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای pps و حجم نمونه ۲۵۰۰ نفر تعیین شد و در نهایت از اطلاعات ۲۲۷۵ نمونه استفاده شد. ابزار به‌کار گرفته شده پرسش‌نامه بود که مبتنی بر پرسش‌نامه ارزش‌های جهانی اینگلهارت طراحی شد. در تحلیل داده‌ها از رگرسیون لجستیک و رگرسیون چندمتغیره بهره گرفته شد.

### ۴. تعاریف عملیاتی متغیرها

#### ۱.۴ متغیر سرمایه اجتماعی

در این تحقیق متغیر سرمایه اجتماعی براساس تعریف عملیاتی شیاک (Schaik)، پاتنام (Putnam)، پاکستون (Paxton)، نک (Knack) و کیفر (Keefor) اندازه‌گیری شده است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی شامل چهار بعد اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی، و هنجارهای معامله متقابل است. اعتماد محور اصلی تئوری‌های نوین سرمایه اجتماعی و زمینه تعاملات و روابط اجتماعی است و اعتماد متقابل بین شخصی به معنای داشتن حسن ظن در قبال سایر افراد جامعه تعریف می‌شود که موجب گسترش هرچه بیشتر روابط اجتماعی فرد و تقویت و تداوم رابطه می‌شود. در این تحقیق، اعتماد بین فردی با این سؤال سنجیده شده که آیا معتقدید بیشتر مردم معتمدند یا فکر می‌کنید که باید در



برخورد با مردم بسیار محتاط و مراقب بود. دومین بعد اعتماد نهادی است که پاکستان آن را پیشنهاد داده است. این نهادها شامل کلیسا، نیروهای نظامی، نظام دانشگاهی، مطبوعات، اتحادیه‌های بازرگانی، پلیس، مجلس، شرکت مدنی، نظام امنیتی جامعه، اتحادیه اروپا، سازمان‌های بین‌المللی، نظام بهداشت و سلامتی و نظام قضایی است که میزان اعتماد افراد به این نظام‌ها اعتماد نهادی را نشان می‌دهد. سومین بعد مشارکت اجتماعی است که با گذران وقت با خانواده و اقوام و دوستان و همکاران، با مردم در کلیسا یا مسجد، گذران وقت با مردم در انجمن‌ها و شوراها و دیگر سازمان‌های افتخاری محل پرسش قرار گرفته است. چهارمین بعد هنجارهای معامله متقابل است که طبق مدل اندازه‌گیری نک و کیفر، در این تحقیق، با چهار سؤال درخواست بهره‌مند شدن از پاداش و مزایای دولتی است که شامل حال شما نمی‌شود. پرداخت نکردن کرایه وسایل نقلیه عمومی و تخلف در پرداخت مالیات در صورت امکان و رشوه گرفتن سنجیده شده است (Schaik, ۲۰۰۲: ۸-۱۱).

#### ۲.۴ متغیر ارزش‌های فرهنگی

در این تحقیق، از متغیر برابری جنسیتی و متغیر دین‌داری برای نشان‌دادن متغیر ارزش‌های فرهنگی و در برابری جنسیتی از شاخص نگرش‌های جنسیتی، طبق تعریف اینگلهارت، استفاده شده است. نگرش‌های جنسیتی در این پژوهش، به منظور دست‌یابی به پایایی مقبول، به دو گروه نگرش‌های جنسیتی خانوادگی و نگرش‌های جنسیتی سیاسی — اجتماعی تقسیم شده است. در نگرش‌های جنسیتی خانوادگی سه گویه «آیا فکر می‌کنید خوشبختی و کام‌یابی زن در گرو داشتن فرزند است یا آن را ضروری نمی‌دانید»، «در بعضی کشورها برخی زنان صاحب فرزند می‌شوند بی‌آن‌که تمایل به داشتن روابط ثابت با هیچ مردی باشند، آیا شما با این موافق‌اید»، «زن و شوهر هر دو باید در کسب درآمد خانواده سهیم باشند؟» با ارزش‌های صفر تا ۲ با هم ترکیب شده و متغیر نگرش جنسیتی خانوادگی با ضریب آلفای ۰/۶۱ تشکیل شده است. در نگرش‌های جنسیتی سیاسی — اجتماعی چهار گویه «بعضی‌ها بر این نظرند در شرایطی که شاغل کم باشد باید مردان نسبت به زنان حق بیشتری برای تصاحب شغل داشته باشند»، «در کل مردان در مقایسه با زنان رهبران سیاسی بهتری هستند»، «تحصیلات دانشگاهی برای پسرها مهم‌تر است تا برای دختران»، «خانه‌دار بودن درست به اندازه شاغل بودن برای زنان ارض‌کننده است»، با

ارزش‌های صفر تا ۲ با هم ترکیب شده و متغیر نگرش جنسیتی سیاسی - اجتماعی با آلفای ۰/۶۶ تشکیل شده است. هم‌چنین، در تبیین متغیر دین‌داری، از مدل تبیین دین‌داری چندبعدی اینگلهارت مبنی بر ابعاد ارزش‌های دینی و اعتقادی و مشارکت در دین استفاده شده است. ارزش‌های دینی با دو گویه «اهمیت دین» با ارزش صفر تا ۳ و «اهمیت خدا» با ارزش ۰ تا ۹ بعد اعتقادی حاصل ترکیب پنج گویه اعتقاد به خدا و معاد و صاحب روح بودن انسان و جهنم و بهشت با ارزش صفر و ۱، مشارکت دینی با گویه شرکت در مراسم و آیین‌های دینی با ارزش صفر تا ۶ و گزاردن نمازهای روزانه با ارزش صفر تا ۳ سنجیده شده است (اینگلهارت، ۱۳۸۷: ۳۶).

#### ۳.۴ متغیر جنسیت

این متغیر برای ورود به متغیر چندگانه به فاصله‌ای تصنعی ۰ (زنان) و ۱ (مردان) تبدیل شده است.

#### ۴.۴ متغیر ساختار اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای

شامل تأهل (افراد متأهل ۱ و افراد مطلقه و بیوه و مجردان صفر)، داشتن فرزند (هیچ فرزند صفر و از یک تا هشت فرزند یا بیشتر ۱) سطح تحصیلات (بالاترین سطح تحصیلات در ۱۰ سطح از بی سواد تا تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر)، درآمد (که به شیوه ذهنی و با گویه ده قسمتی درآمد بسیار پایین تا درآمد بسیار بالا)، طبقه (شامل طبقه بالا، بالای متوسط، پایین متوسط، کارگر، و طبقه پایین) است.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

##### ۱.۵ یافته‌های توصیفی

در این بخش ابتدا به توصیف جامعه آماری اشاره می‌شود، سپس به عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی و بیان تفاوت‌های جنسیتی پرداخته خواهد شد.

**مشخصات نمونه آماری:** از میان ۲۲۷۵ نفر نمونه آماری، ۱۲۴۱ نفر مرد (۵۴/۷ درصد) و ۱۰۲۶ نفر زن (۴۵/۳ درصد) هستند. ۱۳۴۷ نفر متأهل (۵۹/۴ درصد) و ۹۱۹ نفر مجرد (۴۰/۶ درصد) هستند. در این نمونه، ۱۴۶۵ نفر شهری (۶۴/۸ درصد) و ۷۹۷ نفر (۳۵/۲ درصد)

درصد) روستایی هستند. از ۲۲۷۵ نفر، ۹۷ نفر (۴/۷ درصد) بی‌سوادند، ۳۸۰ نفر (۱/۶ درصد) تحصیلات ابتدایی، ۴۴۸ نفر (۲۱/۹ درصد) تحصیلات متوسطه، ۶۵۶ نفر (۳۲ درصد) دیپلم، ۱۴۹ نفر (۷/۳ درصد) فوق دیپلم، ۳۱۸ نفر (۱۵/۵ درصد) تحصیلات عالی دارند. هم‌چنین ۲۷۵ نفر (۱۲/۳ درصد) درآمد بسیار پایین دارند، ۶۹۹ نفر (۳۱/۲ درصد) درآمد پایین، ۸۸۱ نفر (۳۹/۳ درصد) درآمد متوسط، ۳۲۳ نفر (۱۴/۴ درصد) درآمد بالا، ۶۲ نفر (۲/۸ درصد) درآمد بسیار بالا دارند.

چنان که در جدول ۱ می‌بینیم اعتماد بین فردی در ایرانیان پایین است. در میان مؤلفه‌های اعتماد نهادی، اعتماد به احزاب سیاسی و مجامع بین‌المللی کمتر و اعتماد به مسجد، که نهادی مذهبی است، بیش از همه دیده می‌شود. در مشارکت غیررسمی نیز تمایل به گذران اوقات با خانواده و اقوام بیش از همه و گذران اوقات در انجمن‌ها و شوراها کمتر از همه دیده می‌شود. در هنجارهای معامله متقابل، اعتماد بیش از دیگر ابعاد است. بنابراین، در میان ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی، پایین‌ترین میزان به اعتماد بین فردی تعلق دارد.

جدول ۱. سرمایه اجتماعی ایرانیان

درصد	سرمایه اجتماعی
۱۲/۳	اعتماد بین فردی <sup>۱</sup>
۸۰/۲	مسجد
۵۷/۸	نیروی نظامی
۲۶/۲	مطبوعات
۴۰/۴	تلویزیون
۲۰/۹	اتحادیه کارگری
۵۶/۷	پلیس (انتظامی)
۴۴/۸	حکومت
۱۷/۴	احزاب سیاسی
۳۸/۹	مجلس
۲۷/۱	ادارات دولتی
۱۶/۹	شرکت‌های بزرگ
۳۹/۱	جنبش حفاظت از محیط زیست
۳۳/۶	جنبش حمایت از حقوق زنان
۲۰/۷	اوپک
۲۳/۴	سازمان ملل متحد

اعتماد نهادی<sup>۲</sup>

۸۹/۵	گذران وقت با خانواده و اقوام	مشارکت اجتماعی <sup>۳</sup>
۷۱/۶	گذران وقت با دوستان	
۴۱/۱	گذران وقت با همکاران	
۴۱/۸	گذران وقت با افراد در مسجد	
۲۹/۴	گذران وقت با مردم در انجمن‌ها و شوراها و دیگر سازمان‌های افتخاری	
۵۴/۴	درخواست بهره‌مندشدن از پاداش و مزایای دولتی	هنجارهای معامله متقابل <sup>۴</sup>
۷۱	پرداخت نکردن کرایه و وسایل نقلیه عمومی	
۷۷/۸	تقلب در پرداخت مالیات در صورت امکان	
۸۷/۱	رشوه گرفتن	

محمد عبداللهی نیز، در پیمایش ملی سرمایه اجتماعی ایرانیان در ۳۰ استان کشور با حجم نمونه ۱۲ هزار نفر، بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی در ایرانیان طبقه پایین رو به متوسط است و به‌ویژه در بعد روابط انجمنی، نظیر همکاری با نهادهای مدنی، ضعیف‌تر و در پیوندهای بین فردی قوی‌تر است. او نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در شهرهایی که در سطح پایین‌تر توسعه‌اند بالاتر و برخلاف آن در شهرهایی که در سطح بالاتر توسعه‌اند پایین‌تر است (عبداللهی، ۱۳۸۶).

در جدول ۲، ابعاد جنسیتی سرمایه اجتماعی بررسی شده و چنان که می‌بینیم اعتماد بین فردی در زنان کمتر از مردان است، اما در سطح معنی‌دار مقبولی نیست. اعتماد نهادی در همه مؤلفه‌ها، به‌جز اعتماد به مجامع بین‌المللی از قبیل اوپک و سازمان ملل، در زنان بیشتر است و در سطح معنی‌دار نیز مقبول است. در مشارکت اجتماعی زنان بیش از مردان به گذران اوقات خود به شکل سنتی و با خانواده و اقوام تمایل دارند و مردان بیشتر به گذران با همکاران، دوستان، انجمن‌ها، شوراها تمایل دارند و این تفاوت جنسیتی در سطح پذیرفتنی است. هنجارهای معامله متقابل نیز در زنان بیش از مردان و در سطح مقبولی معنی‌دار است. بنابراین فرضیه شماره ۲ و ۳، که بیان می‌دارد تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی وجود دارد و سرمایه اجتماعی در زنان ادامه فعالیت‌های خانگی و در مردان ادامه فعالیت‌های مدنی است، تأیید می‌شود. در تحقیقات پیشین نیز دیدیم اگرچه تفاوت‌های جنسیتی در زنان و مردان محرز است، چنان که باستانی متذکر شده، در اعتماد بین فردی تفاوت معناداری در سرمایه اجتماعی وجود ندارد و جنسیت فی‌نفسه موجب تفاوت در سرمایه اجتماعی نمی‌شود، بلکه باید به دنبال عوامل دیگری گشت که موجب اختلافات جنسیتی در این حوزه می‌شود.

جدول ۲. جنسیت و سرمایه اجتماعی ایرانیان

		سال ۱۳۸۳			
v=۰/۰۲۳ Sig=۰/۵۵۸	مردان	۱۳	زنان	اعتماد بین فردی <sup>۵</sup>	
		۱۱/۵			
v=۰/۰۶۹ Sig=۰/۰۳۱	مردان	۷۷/۸	زنان	مسجد	
		۸۳/۱			
v=۰/۱۱۷ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۵۵/۷	زنان	نیروی نظامی	
		۶۰/۲			
v=۰/۰۸۵ Sig=۰/۰۰۳	مردان	۲۵/۳	زنان	مطبوعات	
		۲۷/۱			
v=۰/۱۳۷ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۳۶/۴	زنان	تلویزیون	
		۴۵/۳			
v=۰/۱۱۸ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۲۱/۷	زنان	اتحادیه کارگری	
		۱۹/۶			
v=۰/۱۵۷ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۵۲/۷	زنان	پلیس (انتظامی)	
		۶۱/۴			
v=۰/۰۸۰ Sig=۰/۰۰۶	مردان	۴۲/۸	زنان	حکومت	
		۴۷/۱			
v=۰/۱۲۸ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۱۵/۹	زنان	احزاب سیاسی	
		۱۹/۱			
v=۰/۱۰۸ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۳۷/۷	زنان	مجلس	
		۴۰/۴			
v=۰/۱۵۲ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۲۴/۲	زنان	ادارات دولتی	
		۳۰/۳			
v=۰/۱۳۱ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۱۵	زنان	شرکت‌های بزرگ	
		۱۹/۳			
v=۰/۱۱۵ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۳۸/۷	زنان	جنبش حفاظت از محیط زیست	
		۳۹/۴			
v=۰/۱۰۴ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۳۰/۴	زنان	جنبش حمایت از حقوق زنان	
		۳۷/۲			
v=۰/۱۲۶ Sig=۰/۰۰۰	مردان	۲۱	زنان	اوپک	
		۲۰/۳			

اعتماد  
نهادهی<sup>۶</sup>

v=۰/۱۶۷ Sig=۰/۰۰۰	۲۱/۹	مردان	سازمان ملل متحد	
		زنان		
V = ۰/۲۲		sig = ۰/۱۹۰		اعتماد نهادی
v=۰/۰۷۹ Sig=۰/۰۰۷	۸۷/۶	مردان	گذران وقت با خانواده و اقوام	
		زنان		
v=۰/۰۷۸ Sig=۰/۰۰۹	۷۳/۱	مردان	گذران وقت با دوستان	
		زنان		
v=۰/۲۷ Sig=۰/۰۰۰	۵۰/۶	مردان	گذران وقت با همکاران	مشارکت اجتماعی <sup>۷</sup>
		زنان		
v=۰/۰۹۷ Sig=۰/۰۰۰	۴۵/۲	مردان	گذران وقت با افراد در مسجد	
		زنان		
v=۰/۱۷۶ Sig=۰/۰۰۰	۳۴/۷	مردان	گذران وقت با مردم در انجمن‌ها، شوراها و دیگر سازمان‌های افتخاری	
		زنان		
V=۰/۱۷۹		Sig=۰/۰۰۰		مشارکت اجتماعی
v=۰/۰۸۸ Sig=۰/۰۷۰	۵۳/۷	مردان	درخواست بهره‌مندشدن از پاداش و مزایای دولتی	هنجارهای معامله متقابل <sup>۸</sup>
		زنان		
v=۰/۰۶۹ Sig=۰/۰۷۴	۷۰/۵	مردان	پرداخت نکردن کرایه وسایل نقلیه عمومی	
		زنان		
v=۰/۰۷۹ Sig=۰/۱۷۲	۷۶/۸	مردان	تقلب در پرداخت مالیات در صورت امکان	
		زنان		
v=۰/۰۸۰ Sig=۰/۱۵۶	۸۵/۷	مردان	رشوه گرفتن	
		زنان		
V=۰/۱۷۹		V=۰/۱۶۸		Sig=۰/۰۱۸

## ۲.۵ یافته‌های تحلیلی

براساس رویکرد نظری پاتنام، مجموعه‌ای از متغیرهای جنسیت و ساختاری و ارزش‌های فرهنگی در تبیین سرمایه اجتماعی توان بیشتری دارند.

در اعتماد بین فردی، از آن‌جا که این متغیر اسمی دوجهی است و متغیرهای مستقل هم در سطح کمی و هم در سطح اسمی ترتیبی است، از رگرسیون لجستیک اسمی دوجهی استفاده شده است. در مجموع، کل خروجی رگرسیون لجستیک را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: ۱. ارزیابی کل مدل، ۲. آماره‌های نکوئی برازش، ۳. آزمون‌های

آماري مربوط به تأثير هر متغير پيش‌بين، ۴. ارزيابي اعتبار احتمالات پيش‌بيني شده. اولين بخش از خروجي نتايج آزمون اومنیوس (Omnibus Test) است که ارزيابي کل مدل را نشان می‌دهد و در صورتی که در سطح معنی‌دار باشد، مقبول است. نتايج دو آماره لگاریتم درست‌نمایی (Log-Likelihood) و ضريب تعین پزودو (Pseudo R-Square)، شامل ضريب تعین کاکس و نل و ضريب تعین نیجل کرک، است. ضرایب تعین پزودو بین صفر و ۱ نوسان دارند و هرچه به ۱ نزدیک‌تر شوند، نشان می‌دهد که نقش متغير مستقل در تبیین واریانس متغير وابسته بیشتر است. برازش مدل با توجه به آزمون هومسر و لمشو، در صورتی که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ باشد، نشان می‌دهد که مدل تحقیق مناسب بوده و از برازش لازم برخوردار است. در این جدول، آماره B همان ضريب تأثير رگرسيونی استاندارد نشده است. آماره Wald مهم‌ترین آماره و معادل آماره t در رگرسيون خطی است که از طریق سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌تواند وجود متغير را در مدل مفید نشان دهد.  $Exp(B)$  آماره نسبت بخت‌هاست و عبارت است از تغییر پيش‌بيني‌ها در بخت‌ها به ازای یک واحد افزایش در متغير مستقل و معادل ضرایب رگرسيونی استانداردشده (Beta) است و اگر نسبت بخت‌ها کوچک‌تر از ۱ باشد، با افزایش مقادير متغير مستقل احتمال وقوع پدیده کاهش می‌یابد و در صورتی که بزرگ‌تر از ۱ باشد، با افزایش مقادير متغير مستقل احتمال وقوع پدیده افزایش می‌یابد. بنابراین، در تحلیل رگرسيون تأثير منفي متغير مستقل از دو طریق علامت منفي آماره B و از طریق کوچک‌تر بودن مقدار  $Exp(B)$  از عدد ۱ نشان داده می‌شود (حبیب‌پور، ۱۳۸۸). با توجه به این توضیحات، چنان که در جدول ۳ می‌بینیم، مدل ۱ که تبیین سرمایه اجتماعی با جنسیت است مدل مناسبی نیست، مقدار ضرایب تعین پایین است و در سطح معنی‌داری مقبولى نیست، بنابراین سرمایه اجتماعی با جنسیت در بعد اعتماد بین فردی تبیین‌پذیر نیست. مدل ۲، که ترکیب جنسیت با عوامل ساختاری است، نشان می‌دهد اگرچه ضرایب تعین بهتر از مدل ۱ است، این مدل نیز از برازش خوبی برخوردار نبوده و هم‌چنین از میان متغيرهای جنسیت و ساختاری فقط درآمد می‌تواند سرمایه اجتماعی را تبیین کند و در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۲) پذیرفته می‌شود و اگر بر متغير مستقل درآمد ۱ واحد اضافه شود، متغير وابسته سرمایه اجتماعی ۱/۱۸۳ افزایش خواهد یافت. مدل ۳ نشان می‌دهد از آن‌جا که ضرایب تعین نسبت به دو مدل دیگر بالاتر است، پس مدل تبیینی سرمایه اجتماعی، که مجموعه‌ای از عوامل جنسیت و ساختاری و فرهنگی است، بهتر می‌تواند سرمایه اجتماعی در بعد اعتماد بین فردی را

۱۳۰ بررسی عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی ایرانیان با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی

تیین کند و از طرفی برازش مدل در حد معنی‌دار پذیرفته می‌شود (هامستر ۰/۰۵) و عواملی که تأثیرگذارند نیز درآمد با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۸ و نگرش‌های جنسیتی در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ است. این جدول نشان می‌دهد با افزایش ۱ واحد به درآمد متغیر اعتماد بین فردی ۱/۱۸۷ افزایش خواهد یافت و با افزایش ۱ واحد نگرش جنسیتی در بعد سیاسی-اجتماعی ۱/۲۳۸ به اعتماد بین فردی اضافه خواهد شد.

محمدجواد زاهدی نیز در بررسی ارتباط فقر و سرمایه اجتماعی نتیجه گرفته که خانواده‌های فقیر، در همه مؤلفه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، میانگینی پایین‌تر از خانواده‌های مرفه دارند (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۷). هم‌چنین احسان خلیلی در بررسی تأثیر دین‌داری در سرمایه اجتماعی به این یافته اشاره دارد که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد، گروه‌های تحصیلی، و نوع مالکیت مسکن افراد در سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. متغیر دین‌داری در تیپ شخصیتی معاشرتی و مشارکت‌های داوطلبانه مؤثر است و از سویی دیگر این دو متغیر در سرمایه اجتماعی مؤثرند و در نهایت دین‌داری، از طریق تیپ شخصیتی معاشرتی و مشارکت‌های داوطلبانه، در سرمایه اجتماعی مؤثر است (خلیلی، ۱۳۸۷).

جدول ۳. عوامل مؤثر در اعتماد بین فردی

		مدل ۱: جنسیت					مدل ۲: جنسیت + ساختاری					مدل ۳: جنسیت + ساختاری + فرهنگی						
		EXP	Sig	Wald	SE	B	EXP	Sig	wald	SE	B	EXP	Sig	Wald	SE	B		
اعتماد بین فردی		۰/۱۳۸	۰/۱۳				۰/۱۳۸	۰/۱۳				۰/۱۳۸	۰/۱۳					
ساختار اعتماد بین فردی		شغل																
		تحصیلات																
		درآمد																
		طبقه																
		تاهل																
ارزش‌های فرهنگی		داشتن فرزند																
		برابری																
دینداری		جنسیتی																
		د																
		اد																
		اغ																
		م																
		ن																
Model summary		cox & snell R square= ۰/۰۰۱ Nagelkerke R square = ۰/۰۰۱					cox & snell R square= ۰/۰۱۰ Nagelkerke R square = ۰/۰۱۹					cox & snell R square= ۰/۰۳۳ Nagelkerke R square = ۰/۰۶۰						
Homster and lemeshow		۰/۰۰۰ = چی دو					۰/۴۳۱ sig = ۸/۰۲۹ چی دو					۰/۰۰۵ sig = ۱۴/۸۹۱ چی دو						
Omnibus		۰/۰۰۳ sig = ۸/۷۵۲ چی دو					۰/۰۰۳ sig = ۱۸/۸۰۷ چی دو											



در تبیین عوامل مؤثر در اعتماد نهادی با توجه به این‌که متغیر وابسته اعتماد نهادی در سطح فاصله‌ای است از رگرسیون چندمتغیره بهره برده شده است. در مدل ۱، در تحلیل رابطه جنسیت و اعتماد نهادی، همان‌طور که در جدول ۴ می‌بینیم، ضریب همبستگی  $R$  مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد که این همبستگی  $0/043$  و در سطح پایین است و ضریب تعیین تعدیل‌شده ( $R^2$  Adjust)، که  $0/001$  است، نشان می‌دهد که ۱ درصد از کل تغییرات میزان اعتماد نهادی به متغیر مستقل جنسیت وابسته است. میزان  $Beta$  استاندارد  $0/043$ ، که در سطح معنی‌داری  $0/050$  است، نشان می‌دهد که ازای یک واحد افزایش در متغیر جنسیت متغیر اعتماد نهادی  $0/043$  واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. در مدل ۲، در تحلیل رابطه جنسیت و عوامل ساختاری با اعتماد نهادی، همان‌طور که در جدول ۴ می‌بینیم، ضریب همبستگی  $R$ ، که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، افزایش یافته و این همبستگی  $0/171$  است و ضریب تعیین تعدیل‌شده ( $R^2$  Adjust)، که  $0/029$  است، نشان می‌دهد  $2/9$  درصد از کل تغییرات میزان اعتماد نهادی وابسته به متغیر مستقل جنسیت و عوامل ساختاری است. در مدل ۳، در تحلیل رابطه جنسیت و عوامل ساختاری و ارزش‌های فرهنگی با اعتماد نهادی، همان‌طور که در جدول ۴ می‌بینیم، ضریب همبستگی  $R$ ، که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، افزایش یافته و این همبستگی  $0/27$  است و ضریب تعیین تعدیل‌شده ( $R^2$  Adjust) نیز افزایش یافته و  $0/057$  است و نشان می‌دهد که  $5/7$  درصد از کل تغییرات میزان اعتماد نهادی وابسته به متغیر مستقل ترکیبی فوق است. بنابراین، مدل تبیینی ترکیبی فوق مقادیر بیشتری از سرمایه اجتماعی در بعد اعتماد نهادی را تبیین می‌کند. میزان  $Beta$  استاندارد  $0/086$  جنسیت که در سطح معنی‌داری  $0/043$  است نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر جنسیت، متغیر اعتماد نهادی  $0/086$  واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. همچنین میزان  $Beta$  استاندارد  $0/095$  نگرش‌های برابرطلبانه سیاسی - اجتماعی، که در سطح معنی‌داری  $0/038$  است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر نگرش‌های برابرطلبانه سیاسی - اجتماعی، متغیر اعتماد نهادی  $0/095$  واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. میزان  $Beta$  استاندارد  $0/172$  اهمیت دین، که در سطح معنی‌داری  $0/000$  است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر اهمیت دین، متغیر اعتماد نهادی  $0/172$  واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌دار پذیرفتنی است. میزان  $Beta$  استاندارد  $0/172$  گزاردن نمازهای روزانه، که در سطح معنی‌داری  $0/001$  است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در

متغیر گزاردن نمازهای روزانه، متغیر اعتماد نهادی ۰/۱۷۲ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌داری پذیرفتنی است.

جدول ۴. عوامل مؤثر در اعتماد نهادی

مدل ۳: جنسیت + ساختاری + فرهنگی				مدل ۲: جنسیت + ساختاری				مدل ۱: جنسیت				جنسیت	ساختار اجتماعی	اعتماد نهادی	
Sig	Beta	SE	B	Sig	Beta	SE	B	Sig	Beta	SE	B				
۰/۰۴۳	۰/۰۸۶	۱/۰۲۹	۲/۰۸۵	۰/۱۱۶	۰/۰۵۶	۰/۰۸۷	۱/۴۰۹	۰/۰۵۰	۰/۰۴۳	۱۷/۴۳۳	۱/۰۸۵				
۰/۵۸۳	۰/۰۲۳	۱/۰۳۷	۰/۵۶۸	۰/۳۱۷	۰/۰۱۵	۰/۰۹۳	۰/۳۸۱						شغل		
۰/۴۸۵	۰/۰۲۸	۰/۱۷۵	۰/۱۲۲	۰/۰۶۰	۰/۰۶۴	۰/۱۵۲	۰/۲۸۶						تحصیلات		
۰/۱۴۸	۰/۰۶	۰/۲۷۲	۰/۳۹۴	۰/۰۸۱	۰/۰۳۳	۰/۲۴۶	۰/۴۳						درآمد		
۰/۳۲۹	-۰/۰۴۲	۰/۵	-۰/۴۸۹	۰/۲۱۷	-۰/۰۴۷	۰/۲۶	-۰/۵۶۹						طبقه		
۰/۸۳۸	-۰/۰۰۸	۱/۰۹۱۱	-۰/۴۱۵	۰/۰۳۸	۰/۰۵۴	۱/۴۳۴	۲/۳۱۹						تأهل		
۰/۲۲۴	-۰/۰۴۳	۱/۰۹۷	-۱/۳۳۶	۰/۱۸۲	-۰/۰۴	۱/۰۰۷	-۱/۳۴۵						داشتن فرزند		
۰/۱۱۴	۰/۰۷۲	۰/۴۱	۰/۶۴۸										برابری		
۰/۰۳۸	۰/۰۹۵	۰/۴۴۷	۰/۵۱۲										جنسیتی		
۰/۰۰۰	۰/۱۷۲	۰/۱۳۳	۳/۶۶										د	اد	
۰/۳۳۳	-۰/۰۳۲	۰/۵۴۵	۰/۴۸۶										خ	خ	
۰/۲۷۲	۰/۰۴۱	۰/۹۳۳	۱/۰۲۶										م	م	
۰/۲۳۹	-۰/۰۵۴	۰/۵۵۶	۰/۶۰۲										ن	ن	
۰/۰۰۱	۰/۱۳۷	۰/۳۱۳	۱/۰۴۹												
۱۵/۲۷۱				۲۴/۰۱۶				۲۷/۳۱۱						Constant	
۰/۲۷				۰/۱۷۱				۰/۰۴۳						R	
۰/۰۵۷				۰/۰۲۹				۰/۰۰۱						Adjusted R <sup>2</sup>	

در تبیین عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی، با توجه به این‌که متغیر وابسته مشارکت اجتماعی در سطح فاصله‌ای است، از رگرسیون چندمتغیره بهره برده‌ایم. در مدل ۱، در تحلیل رابطه جنسیت و مشارکت اجتماعی، همان‌طور که در جدول ۵ می‌بینیم، ضریب همبستگی R مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد که این همبستگی ۰/۰۹۹ و ضریب تعیین تعدیل‌شده ((R<sup>2</sup> Adjust)، که ۰/۰۰۹ است، نشان می‌دهد ۰/۹ درصد از کل تغییرات میزان مشارکت غیررسمی وابسته به متغیر مستقل جنسیت است. میزان Beta استاندارد ۰/۰۹۹، که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر جنسیت، متغیر مشارکت غیررسمی ۰/۰۹۹ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. در مدل ۲، در تحلیل رابطه جنسیت و عوامل ساختاری با مشارکت غیررسمی، همان‌طور که در جدول ۵ می‌بینیم، ضریب همبستگی R، که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، افزایش یافته و این همبستگی ۰/۲۰۶ است و ضریب تعیین تعدیل‌شده ((R<sup>2</sup> Adjust)، که ۰/۰۳۷ است، نشان می‌دهد ۳/۷ درصد از کل تغییرات میزان مشارکت غیررسمی به متغیر مستقل جنسیت و عوامل ساختاری وابسته است. هم‌چنین شغل و تحصیلات و درآمد متغیرهای پذیرفته‌شده در این مدل‌اند. در مدل ۳، در تحلیل رابطه جنسیت و عوامل

ساختاری و ارزش‌های فرهنگی با مشارکت اجتماعی، همان‌طور که در جدول ۵ می‌بینیم، ضریب همبستگی R، که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، افزایش یافته و این همبستگی ۰/۳۳۹ است و ضریب تعیین تعدیل‌شده (R<sup>2</sup> Adjust) نیز افزایش یافته و ۰/۱۰۱ است که نشان می‌دهد ۱۰/۱ درصد از کل تغییرات میزان مشارکت غیررسمی به متغیر مستقل ترکیبی فوق‌وابسته است. بنابراین، مدل تبیینی ترکیبی فوق‌مقادیر بیشتری از سرمایه اجتماعی در بعد مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. میزان Beta ی ۰/۰۷ جنسیت در سطح معنی‌داری ۰/۰۴۵ است و نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر جنسیت (مذکر)، متغیر مشارکت غیررسمی ۰/۰۴۵ واحد کاهش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. همچنین میزان Beta ی ۰/۰۹۷ شغل، که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۶ است، نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در متغیر شغل متغیر مشارکت غیررسمی ۰/۰۹۷ واحد کاهش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. میزان Beta ی استاندارد ۰/۰۶۵ تحصیلات، که در سطح معنی‌داری ۰/۰۴۷ است، نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش در متغیر تحصیلات، متغیر مشارکت غیررسمی ۰/۰۶۵ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌دار پذیرفتنی است. میزان Beta ی استاندارد ۰/۱۷ درآمد، که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ است، نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش در متغیر درآمد، متغیر مشارکت غیررسمی ۰/۱۷ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌داری پذیرفتنی است.

جدول ۵. عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی

مدل ۱: جنسیت				مدل ۲: جنسیت + ساختاری				مدل ۳: جنسیت + ساختاری + فرهنگی					
Sig	Beta	SE	B	Sig	Beta	SE	B	Sig	Beta	SE	B		
۰/۰۰۰	۰/۱۶۷	۰/۰۹۹	۰/۰۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۷۱	۰/۰۷۷	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۵۱	۰/۰۲۱	جنسیت	مشارکت اجتماعی
												شغل	
												تحصیلات	
												درآمد	
												طبقه	
												تأهل	
												داشتن فرزند	
												بخ	
												س	
												د	
												اد	
												اغ	
												م د	
												نی	
Constant				۱۲/۸۷۵				۱۰/۹۸۵				R <sup>2</sup> Adjusted	
R				۰/۲۰۶				۰/۰۹۹					
۰/۱۰۱				۰/۰۳۷				۰/۰۰۹					

در تبیین عوامل مؤثر در مشارکت هنجارهای معامله متقابل، با توجه به این که متغیر وابسته هنجارهای معامله متقابل در سطح فاصله‌ای است، از رگرسیون چندمتغیره بهره برده‌ایم. در مدل ۱، در تحلیل رابطه جنسیت و هنجار معامله متقابل، همان طور که در جدول ۶ می‌بینیم، ضریب همبستگی R مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد که این همبستگی ۰/۴۹ و ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$  Adjust)، که ۰/۰۰۲ است، نشان می‌دهد ۰/۲ درصد از کل تغییرات میزان هنجارهای معامله متقابل وابسته به متغیر مستقل جنسیت است. میزان Beta ی استاندارد ۰/۰۴۹، که در سطح معنی داری ۰/۰۲۲ است، نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش در متغیر جنسیت، متغیر هنجارهای معامله متقابل ۰/۰۴۹ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. در مدل ۲، در تحلیل رابطه جنسیت و عوامل ساختاری با هنجارهای معامله متقابل، همان طور که در جدول ۶ می‌بینیم، ضریب همبستگی R، که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، افزایش یافته و این همبستگی ۰/۱۲۴ است و ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$  Adjust)، که ۰/۱ است، نشان می‌دهد ۱۰ درصد از کل تغییرات میزان هنجارهای معامله متقابل به متغیر مستقل جنسیت و عوامل ساختاری وابسته است. هم‌چنین داشتن فرزند متغیر پذیرفته شده در این مدل است. در مدل ۳، در تحلیل رابطه جنسیت و عوامل ساختاری و ارزش‌های فرهنگی با هنجارهای معامله متقابل، همان طور که در جدول ۶ می‌بینیم، ضریب همبستگی R، که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، افزایش یافته و این همبستگی ۰/۳۵۳ است و ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$  Adjust) نیز افزایش یافته و ۰/۱۱۱ است که نشان می‌دهد ۱۱/۱ درصد از کل تغییرات میزان هنجارهای معامله متقابل به متغیر مستقل ترکیبی فوق وابسته است. بنابراین، مدل تبیینی ترکیبی فوق مقادیر بیشتری از سرمایه اجتماعی در بعد هنجارهای معامله متقابل را تبیین می‌کند. میزان Beta ی ۰/۰۶۸ تأهل، که در سطح معنی داری ۰/۰۳۶ است، نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش در متغیر تأهل، متغیر هنجارهای معامله متقابل ۰/۰۶۸ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. هم‌چنین میزان Beta ی ۰/۰۹۹ نگرش جنسیتی سیاسی - اجتماعی، که در سطح معنی داری ۰/۰۲۱ است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر نگرش سیاسی - اجتماعی، متغیر هنجارهای معامله متقابل ۰/۰۹۹ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار پذیرفتنی است. میزان Beta ی استاندارد ۰/۰۶۱ اهمیت دین، که در سطح معنی داری ۰/۰۶۶ است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر اهمیت دین، متغیر هنجارهای معامله متقابل

۰/۰۶۱ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌دار پذیرفتنی است. میزان Beta ی استاندارد ۰/۱۷۲ اعتقادات دینی، که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ است، نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش در متغیر اعتقادات دینی، متغیر هنجارهای معامله متقابل ۰/۱۷۲ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌داری پذیرفتنی است. میزان Beta ی استاندارد ۰/۱۰۸ گزاردن نمازهای روزانه، که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۲ است، نشان می‌دهد که، به ازای یک واحد افزایش در متغیر گزاردن نمازهای روزانه، متغیر هنجارهای معامله متقابل ۰/۱۰۸ واحد افزایش می‌یابد و این مقدار در سطح معنی‌داری پذیرفتنی است.

جدول ۶. عوامل مؤثر در هنجارهای معامله متقابل

مدل ۱: جنسیت				مدل ۲: جنسیت + ساختاری				مدل ۳: جنسیت + ساختاری + فرهنگی				
	B	SE	Beta	Sig	B	SE	Beta	Sig	B	SE	Beta	Sig
جنسیت												
	۰/۳۷۸	۰/۲۹۶	۰/۰۴۹	۰/۰۲۲	۰/۳۰۹	۰/۴۹۲	۰/۰۲۲	۰/۰۵۳	۰/۴۵۵	۰/۵۴۸	۰/۰۳۳	۰/۰۴۰۷
ساختار اجتماعی												
شغل												
تحصیلات												
درآمد												
طبقه												
تأهل												
حاشین فرزند												
ارزش‌های فرهنگی												
برابری												
جنسیتی												
اد												
اد												
اد												
اد												
مد												
ن												
Constant				۸/۱۵۷				۳/۱۳۸				
R				۰/۰۴۹				۰/۱۲۴				
Adjusted R <sup>2</sup>				۰/۰۰۲				۰/۱				

## ۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی ایرانیان را با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی بررسی کردیم. سرمایه اجتماعی و هنجارها و روابط اجتماعی است که در ساختارهای اجتماعی ریشه دارد و افراد را به عملکرد هماهنگ و دستیابی مطلوب به اهداف قادر می‌سازد. چهارچوب نظری تحقیق بر مبنای نظریات پاتنام بود. او بر سودمندی و کارکرد مثبت سرمایه اجتماعی برای افراد تأکید دارد و نگران کاهش میزان سرمایه اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن است. او سرمایه اجتماعی را نتیجه مهم دموکراسی و به‌منزله پدیده‌های ساختاری (شبکه‌های

اجتماعی) و پدیده‌ای فرهنگی (هنجارهای اجتماعی) می‌داند و بر این نظر است که سازوکارهایی که از طریق تعهد مدنی و همبستگی اجتماعی نتایجی نظیر آموزش‌های بهتر، توسعه اقتصادی سریع‌تر، جرائم کمتر، حکومت کارآمدتر را در پی دارند پیچیده و چندگانه‌اند. هم‌چنین پاتنام نشان می‌دهد که در تبیین سرمایه اجتماعی جنسیت و عوامل ساختاری و عوامل فرهنگی دخیل‌اند. وی تأثیر جنسیت در سرمایه اجتماعی یک جامعه را نشان می‌دهد و به‌خصوص در این زمینه به تأثیر حرکت زنان به نیروی کار حقوق‌بگیر و تنش‌های مرتبط با آن در خانواده‌های دوحرفه‌ای امریکایی اشاره می‌کند و بر آن است که حضور فعال‌تر زنان در عرصه اجتماعی موجب انقباض سرمایه اجتماعی در ایشان می‌شود. چنان که دیدیم، در کل اعتماد بین فردی، چنان که در تحقیقات پیشین آزادارمکی و عبداللهمی نیز دیده شده بود، در ایرانیان پایین است. در میان مؤلفه‌های اعتماد نهادی، اعتماد به احزاب سیاسی و مجامع بین‌المللی کمتر و اعتماد به مسجد، که نهادی مذهبی است، بیش از همه دیده می‌شود. در مشارکت اجتماعی نیز تمایل به گذران اوقات با خانواده و اقوام بیش از همه و گذران اوقات در انجمن‌ها و شوراها کمتر از همه دیده می‌شود. در هنجارهای معامله متقابل درصد اعتماد بیش از دیگر ابعاد است. هم‌چنین در بررسی ابعاد جنسیتی سرمایه اجتماعی دیدیم که اعتماد بین فردی در زنان کمتر از مردان است که نتایج نوریس را تأیید می‌کند، اما این تفاوت مختصر بود و چنان که باستانی نیز اشاره کرده بود، تفاوت چندان چشم‌گیر نیست و در سطح معنی دار درخور پذیرش نیست. اعتماد نهادی در همه مؤلفه‌ها، به‌جز اعتماد به مجامع بین‌المللی از قبیل اوپک و سازمان ملل، در زنان بیشتر است و در سطح معنی دار نیز پذیرفتنی است. در مشارکت اجتماعی، زنان بیش از مردان به گذران اوقات خود به شکل سنتی و با خانواده و اقوام تمایل دارند و مردان بیشتر به گذران با همکاران، دوستان، انجمن‌ها، و شوراها تمایل دارند و این تفاوت جنسیتی در سطح پذیرفتنی است. مشابه چنان وضعیتی را در تحقیقات فرسن و لوین، کارول، مور، باستانی و ناطق‌پور دیدیم. هنجارهای معامله متقابل نیز در زنان بیش از مردان و در سطح پذیرفتنی معنی دار است. هم‌چنین، با استفاده از رگرسیون لجستیک و رگرسیون چندمتغیره، نشان دادیم که در کل در همه ابعاد سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از جنسیت و عوامل ساختاری و ارزش‌های فرهنگی مقادیر بیشتری از سرمایه اجتماعی را تبیین می‌کند، چنان که تحقیقات نوریس و پاتنام این موضوع را نشان می‌داد. در میان عوامل تأثیرگذار، بیشتر متغیرهای درآمد، جنسیت، نگرش‌های جنسیتی، دین‌داری بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بودند. چنان

که دیدیم برخی تحقیقات نشان می‌داد که افرادی با درآمد خانوار متوسط یا بالا آشنایی بیشتری با فعالیت‌های انجمنی دارند (افه و فوش، ۲۰۰۲، برم و ران، ۱۹۹۷، پاراگال و گلیکان و هوک، ۲۰۰۲؛ به نقل از ناطق‌پور، ۱۳۸۴: ۶۷) که این موضوع در این تحقیق نیز نشان داده شد.

هم‌چنین در بررسی جنسیتی نشان دادیم که اعتماد بین فردی در زنان اندکی پایین‌تر از مردان و هنجارهای معامله‌مقابل و اعتماد نهادی در ایشان بیش از مردان است. زنان در مشارکت‌های اجتماعی بیشتر گذران اوقات خود با خانواده و اقوام را خواهان‌اند و مردان بیشتر بودن با دوستان و همکاران یا گذران اوقات در انجمن‌ها و نهادها را خواهان‌اند. بیشتر ادبیات تجربی پیشین نشان می‌داد که زنان دسترسی برابر به سرمایه اجتماعی ندارند و این مانع مهمی در برابر دستیابی به قدرت است. این وضعیت در تحقیقات نوریس و پاتنام و خلیلی ذکر شده بود، اما از نتایج رگرسیون چندمتغیره می‌توان استنباط کرد که احتمالاً، چنان که باستانی نیز نتیجه گرفته بود، جنسیت فی‌نفسه تفاوتی را در سرمایه اجتماعی ایجاد نمی‌کند، بلکه موقعیت‌ها یا فرصت‌هایی را برای زنان و مردان فراهم می‌کند که موجب تفاوت در سرمایه اجتماعی ایشان می‌شود.

می‌توان گفت سرمایه اجتماعی بیش از این که تحت‌تأثیر جنسیت باشد به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه برمی‌گردد و تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی بیش از آن که کمی باشد کیفی است و بررسی علل تفاوت‌های جنسیتی در هر بعد سرمایه اجتماعی به تحقیق بیشتری نیاز دارد. زنان در ابعاد از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند، اما به‌نظر می‌رسد که این ابعاد در بهبود وضعیت اجتماعی ایشان نقش کمتری دارند. آیا تفاوت در سرمایه اجتماعی زنان و مردان ناشی از فرصت‌های نابرابر ایشان است یا زنان خود نمی‌خواهند یا نمی‌توانند از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار شوند؟ ترکیب روابط و میزان و نحوه تعاملات زنان و مردان چگونه است؟ علل تفاوت‌های جنسیتی چیست؟ چرا با وجود مشارکت‌های بیشتر اجتماعی زنان تفاوت‌های جنسیتی افزایش می‌یابد؟ آیا زنان در گسترش شبکه ارتباطی خود وقت ندارند و خود نمی‌خواهند و دیگران از ایشان نمی‌خواهند یا آگاهی از منابع حمایتی این شبکه‌ها ندارند؟

از آن جا که در عصر کنونی مفهوم سرمایه اجتماعی در سطح جهان گسترش پیدا کرده است و در سلامت و رفاه جوامع مؤثر است، بررسی روند تغییرات سرمایه اجتماعی و، بررسی نسلی و بررسی عمیق تفاوت‌های جنسیتی پیشنهاد می‌شود.

## پی‌نوشت

۱. درصد کسانی که معتقدند بیشتر مردم قابل اعتمادند.
۲. درصد کسانی که کاملاً یا به‌طور متوسط اعتماد دارند.
۳. کسانی که هر هفته یا حداقل ماهی تقریباً دو بار تمایل دارند.
۴. کسانی که آن را هرگز مجاز نمی‌دانند.
۵. درصد کسانی که معتقدند بیشتر مردم معتمدند.
۶. درصد کسانی که کاملاً یا به‌طور متوسط اعتماد دارند.
۷. درصد کسانی که هر هفته یا ماهی در حدود دوبار را ذکر کرده‌اند.
۸. درصد کسانی که هرگز جایز نمی‌دانند.

## منابع

- آزادارمکی، تقی و افسانه کمالی (۱۳۸۱). «اعتماد، اجتماع و جنسیت بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲.
- آزادارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و پینا نوریس (۱۳۸۷). مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- باستانی، سوسن، افسانه کمالی، و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، ش ۶۱.
- باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، تهران: متفکران.
- خلیلی، احسان (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر دین‌داری در سرمایه اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- زاهدی، محمدجواد، امیرملکی، و امیراسلان حیدری (۱۳۸۷). «فقر و سرمایه اجتماعی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۸.
- عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۵.
- ناطق‌پور، محمدجواد و سیداحمد فیروزآبادی (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن در شهر تهران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۴.



- Norris, Pippa and Ronald Inglehart (۲۰۰۳). *Gendering Social Capital: Bowling in Women's Leagues*, Gender Equality and Cultural Change Worldwide, Cambridge: University Press.
- Schaik, Ton Van (۲۰۰۲). "Social Capital in the European Values Study Surveys Country paper", in *OECD-ONS International Conference on Social Capital Measurement*, London, ۲۵-۲۷ September.
- Timberlake, Sharon (۲۰۰۵). "Social Capital and Gender in Work Place", *Journal of Management Development*, Vol. ۲۴, No. ۱.

Archive of SID